



بررسی مسئله علم خداوند متعال در نگرش علامه طباطبایی و خواجه نصیر الدین طوسی

هادی عبیدای^۱

کارشناس ارشد رشته فلسفه دانشگاه قم

چکیده

در این تحقیق سعی کرده‌ایم یکی از مهم‌ترین مسائل توحیدی و اختلاف برانگیز میان متکلمان و فلاسفه‌ی اسلامی که همان مسأله‌ی علم الهی است را از نظر دو فیلسوف و متکلم بزرگ اسلامی خواجه نصیرالدین طوسی و علامه‌ی طباطبایی را مورد کاوش قرار دهیم. تا هم‌زمانی و هم‌سخنی این دو محقق و دانشمند را در مسأله‌ی علم الهی (روش تبیین مسأله، تعریف علم، مراتب آن، رابطه‌ی صفت علم با ذات الهی و علم خداوند به ذات و موجودات قبل از ایجاد و بعد از ایجاد) مورد بررسی قرار دهیم تا نزدیک بودن نگاه این دو محقق، تبیین شود. نتیجه‌ی به دست آمده از این بررسی‌ها، آن است که میان این دو فیلسوف با وجود اختلافات بسیار، هم‌زمانی و هم‌سخنی قابل مشاهده است. مهم‌ترین اسباب هم‌زمانی و هم‌سخنی میان آن‌ها در این مسأله، اصول و مبادی تفکرشان است و این که هم در علم الهی، علم الهی را ازلی و عین ذات داشته و آن به تمام اشیاء و موجودات سرایت می‌دهند، هم از طرفی حرکت آن‌ها در خط اهل بیت عترت و طهارت در شناخت خداوند متعال و صفات او است. **واژه‌های کلیدی:** علم، خدا، علم الهی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه طباطبایی

مقدمه

شده اند و علم تفصیلی به مخلوقات را در مرتبه مخلوقات و بلکه عین وجود آن‌ها می‌دانند.

تعریف مسئله:

عنوان مسئله‌ی این که قرار است در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد: «مسئله‌ی علم الهی نزد خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی» است. بنابراین در این رساله تلاش می‌شود که تعریف علم و مسئله‌ی علم الهی و رابطه‌ی آن با ذات الهی و نحوه‌ی علم خداوند به مخلوقات پیش از ایجاد و پس از ایجاد از نظر دو تن از اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

پرسش‌های اصلی تحقیق

الف: تعریف علم از نظر خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی چیست؟

ب: نظر این دو حکیم درباره‌ی رابطه‌ی صفت علم با ذات خداوند چیست؟

ج: روش و تبیین و استدلال این دو فیلسوف درباره‌ی مسئله‌ی علم الهی چگونه است؟

د: نظر این دو حکیم الهی، درباره‌ی تبیین علم خداوند به موجودات چیست؟

اهمیت و ضرورت تحقیق در مسئله‌ی علم الهی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظامی اسلامی بر پایه‌ی توحید و عدل و با هدف ایجاد یک جامعه‌ی توحیدی بار دیگر اندیشه‌ی دینی به عنوان یک اندیشه‌ی امید زا و متعالی در میدان حیات انسان معاصر ظاهر گردید تجدید حیات اندیشه‌ی وحیانی و ارزش‌های معنوی، از سویی سبب بیداری و خود باوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم ستیزی

آن چه در این مقاله مورد پژوهش واقع شده، مسأله علم باری نزد خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبایی است. در متون دینی ما بر علیم بودن خداوند تاکید فراوانی شده است. یکی از آموزه‌های محوری ادیان آسمانی این است که خداوند به همه چیز آگاه است و هیچ چیز از گستره علم او بیرون نیست. تاثیرات جدی این باور در ساحت اندیشه و عمل انسانی به قدری روشن است که ما را از توضیح بی‌نیاز می‌سازد. عقیده به علم شامل و عام خدا، هر چند که از مسلمات دینی است؛ اما تحلیل فلسفی آن با چالش‌هایی مواجه است که تعمق بیشتر را موجه می‌سازد.

یکی از دشوارترین مباحث فلسفه الهی، مسئله علم خدای متعال است. بزرگان فلسفه و کلام تلاش‌های فراوانی برای تبیین آن مبذول داشته‌اند. برخی از فیلسوفان مانند شیخ الرئیس در التعلیقات و صدر المتالیهین در اسفار برای تبیین این موضوع، به مباحث مقدماتی مهمی پرداختند. در عین حال، میان فیلسوفان و متکلمین اختلافات بسیاری در این زمینه مشاهده می‌شود. تا آن جا که برای فرار از پاره‌ای اشکالات، برخی از متکلمین بکلی علم الهی را هم نسبت به ذات خویش و هم نسبت به اشیای عالم منکر شده‌اند؛ اما بیشتر فلاسفه و متکلمین علم خدا را در هر دو مورد پذیرفتند؛ هر چند درباره کیفیت این علم میان خود آن‌ها اختلاف نظر جدی وجود دارد. برخی، هم علم به ذات و هم علم به مخلوقات را عین ذات الهی دانسته‌اند و برخی دیگر علم به ذات را عین ذات و علم به مخلوقات را صورت‌هایی قائم به ذات و خارج از آن شمرده‌اند و بعضی علم تفصیلی ذاتی خداوند را نسبت به مخلوقات پذیرفته‌اند، اما برخی دیگر، چنین علمی را منکرند و علم تفصیلی پیشین به مخلوقات را خارج از ذات و قائم به ذات دانسته‌اند؛ برخی دیگر بکلی منکر علم تفصیلی پیشین